





دانشگاه قم

دانشکده حقوق

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی

عنوان

# بررسی نقش و کارکردهای کفاره در سیاست کیفری اسلام

استاد راهنما

جناب آقای دکتر عادل ساریخانی

استاد مشاور

جناب آقای دکتر جلال الدین قیاسی

نگارنده

فاطمه یوسفی

سال ۱۳۸۹

## تقدیم به:

پیشگاه حضرت ولی عصر امام زمان (عج الله تعالی فرجه الشریف)  
و بر آستانه کریمه اهل بیت، حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها)  
و نیز

پدر بزرگوارم، به پاس زحمات فراوانش،  
مادر عزیزم، به پاس فداکاریهای بی دریغش،  
همراه همیشگی ام، همسر وفادار و مهربانم، به پاس حمایتها و تشویقهایش  
و ثمره و برکت زندگیم محدثه.

## تشکر و قدردانی

[و من لم يشكر المخلوق و لم يشكر الخالق]

سپاس و ستایش بی‌پایان ایزدمنان را که جز به عنایت و توفیق او تحصیل علم و دانش برای این حقیر میسر نبود و این اثر کم بضاعت هرگز به سرانجام نمی‌رسید. و تشکری در نهایت خضوع از کلیه اساتید فرهیخته و گرانمایه‌ای که در طول دوره کارشناسی ارشد و همچنین هنگام تدوین این پایان نامه با هدایت‌های بی‌دریغ خویش و با سعه صدر اینجانب را مرهون فضل و بزرگواری خود ساخته‌اند.

بالاخص از استاد گرانقدر جناب آقای دکتر عادل ساریخانی که به ثمر رسیدن این اثر در نتیجه حمایت‌ها و راهنمایی‌های خردمندانه و مشفقانه ایشان می‌باشد و استاد فرزانه جناب آقای دکتر جلال‌الدین قیاسی به پاس بهره‌مندی از نعمت مشاوره و ارشادات ایشان کمال تشکر و سپاسگزاری را دارم و توفیقات روز افزون حضرات را از پروردگار بی‌همتا خواستارم.

در پایان از کلیه کسانی که در تدوین این اثر اینجانب را یاری نمودند، بسیار سپاسگزارم و از هیات محترم داوران نیز که زحمت نظارت و مساعدت در راستای رفع کاستیهای این پایان نامه را بر عهده گرفته‌اند، پیشاپیش متشکرم.

## چکیده

هدف از این تحقیق شناخت ماهیت، اهداف و کارکردهای کفاره جهت بهره‌مندی از آثار مثبت آن در جامعه و یاری رساندن به قانونگذار در تدوین قوانین بهتر و کارآمدتر می‌باشد. یافته‌های حاصل از این پژوهش این است که کفاره با خصوصیت امحاء آثار سوء جرم، نقش به‌سزایی در سیاست کیفری اسلام دارد و مکمل مجازاتهای رسمی می‌باشد. واژه کفاره در ادیان یهود و مسیحیت نیز مشاهده می‌شود اما تشریح آن با خصوصیات و شرایط خاص فعلی تنها در دین اسلام صورت گرفته و مفاهیم عام و خاص آن در آیات و روایات متعددی بیان شده است. وجوب کفاره در برخی جرایم، مؤید جزا بودن آن می‌باشد و تعبیر به کار رفته در قرآن، سنت و کلام فقها نیز مجازات بودن آن را تصریح می‌نماید. اما در عین داشتن ماهیت جزایی به دلیل وجوب برخی شرایط خاص از قبیل قصد قربت، نوعی عبادت به شمار می‌رود. خصوصیت بارز کفاره فقدان ضمانت اجرای بیرونی در آن است. بدین صورت که شخص مجرم به دلیل پشیمانی واقعی از جرم خویش، با میل باطنی و بدون هیچ فشار بیرونی اقدام به تنبیه خود می‌نماید. کفاره دارای اقسام و موجبات متعددی است. برخی از موجبات کفاره مطابق با قانون، جرم محسوب شده و دارای ضمانت اجرای رسمی هستند، برخی نیز با وجود گناه بودن هرگونه ضمانت اجرای بیرونی می‌باشند. و برخی دیگر شامل اعمال سهوی یا عبادات فوت شده هستند که گناه محسوب نمی‌شوند.

خصالی که برای موجبات کفاره احصاء شده است و احکام آنها، هر یک به تفکیک تشریح شده و جهت شناخت بهتر این خودکیفری، آن را با مجازاتهای مالی و نهادهای غیرمالی مشابه مقایسه نموده و وجوه تشابه و تمایز آنها تبیین گردید. با عنایت به وجود هدفمندی در کل نظام هستی و به تبع آن احکام و مقررات جزایی، اهداف تشریح کفاره بررسی و به این نتیجه منتج گردید که این اهداف بیشتر متوجه شخص بزهکار و در جهت اصلاح و تربیت وی می‌باشند. البته توجه به خصال کفاره این مطلب را روشن نمود که شارع مقدس برخی اهداف اجتماعی را نیز در تشریح کفاره در نظر داشته است. کفاره همچون سایر احکام الهی دارای کارکردهایی است که طی دویخش اخروی و دنیوی بررسی و در بخش دنیوی این نتیجه حاصل شد که اجرای کفاره کارکردهای فردی و اجتماعی مثبت فراوانی دارد که در نهایت منجر به کاهش بزهکاری در جامعه خواهد شد. جهت نیل به آثار مثبت کفاره در جامعه، اداء آن باید با میل باطنی کفاره دهنده و بدون هرگونه فشار بیرونی صورت گیرد. چرا که اجرای آن با ضمانت اجرای رسمی و با قهر و غلبه علاوه بر آن که ما را از کلیه آثار مثبت آن بهره‌مند نمی‌سازد، آثار منفی متعددی نیز به دنبال خواهد داشت. لذا باید بدون هیچ اجباری، تنها با برنامه‌های فرهنگی و آموزشی اداء این تکلیف الهی را در جامعه همگانی نمود. و با موشکافی در شرایط و خصوصیات آن و تعیین جایگزین‌هایی برای خصالی که در حال حاضر منتفی می‌باشند در جهت اجرایی شدن این خودکیفری و بهره‌مندی هرچه بیشتر از آثار مثبت آن تلاش نمود.

کلید واژه: کفاره، خودکیفری، کارکرد، سیاست کیفری.

## مقدمه

### ۱- بیان مسأله

در سیاست کیفری اسلام علاوه بر ضمانت اجرای بیرونی و تدابیر معمول جزایی در جریان مقابله با بزهکاری که از طریق مراجع رسمی صورت می‌پذیرد، با استفاده از ضمانت اجرای درونی، از خود شخص نیز استعانت جسته و او را در این مبارزه به همراهی می‌طلبند. وجود این دو امکان، نه فقط زمینه وسیع‌تری را در این مقابله فراهم می‌کند، بلکه در فقه جزایی اسلام نتایج حاصل از صورت دوم که با عزم و اراده خود بزهکار و مشارکت او در اجرای مجازات صورت می‌گیرد، امیدوار کننده‌تر از نقشی است که برای اجرای واکنش‌های کیفری رسمی و کارآیی آنها پیش‌بینی می‌شود. کفاره به عنوان یک خودکیفری صرفاً در سیاست کیفری اسلام مقرر شده و مشابه آن در سیستم‌های حقوقی سایر مکاتب مشاهده نمی‌شود. لذا این تحقیق سعی بر آن دارد که این خودکیفری را از نظر ماهیت و کارکردهای آن در جهت بهره‌مندی از فواید احتمالی آن به همگان بشناساند.

### ۲- سؤالات تحقیق

در این پایان نامه تلاش می‌گردد به دو سوال اصلی زیر پاسخ داده شود:

الف - ماهیت کفاره چیست؟

ب - کارکرد کفاره در نظام جزایی اسلام چگونه است؟

### ۳- فرضیه‌ها

الف - ماهیت کفاره جنبه حق الهی دارد.

ب - كفاره داراي كار كرد اصلاحي و باز دارندگي فردي است.

#### **۴- ضرورت انجام تحقيق**

به دليل اينكه اخيراً كفاره به عنوان مجازات در پيش نويس لايحه قانون مجازات اسلامي آورده شده و در آن قانونگذار دادگاه را ملزم کرده كه در جرم قتل اعم از عمد، شبه عمد و خطا، ادای كفاره را به عنوان تكليفي بر قاتل در حكم ذكر نمايد؛ لذا بررسي آن ضروري به نظر مي‌رسد.

#### **۵- روش تحقيق**

روش نگارش اين تحقيق تحليلي و توصيفي و با استفاده از كتابخانه مي‌باشد. در اين زمينه كتب فقهی متعددی مطالعه گردید و علاوه بر بهره‌مندی فراوان از منابع فقهی، از مجلات تخصصی و سايت‌های اينترنتی نيز بهره اندکی برده شد.

#### **۶- هدف تحقيق**

هدف از اين تحقيق شناخت ماهيت، اهداف و كاركردهای كفاره، اولاً براي بهره‌مندی بيشتر از آثار مثبت آن در جامعه و ثانياً در جهت ياری رساندن به قانونگذار در تدوين قوانين بهتر و كارآمدتر مي‌باشد.

#### **۷- سابقه و پيشينه تحقيق**

موضوع تحقيق حاضر تقريباً در همه كتب فقهی قديم و جديد مفصلاً مورد بحث و بررسي قرار گرفته است. مقالات فقهی بسيار محدودی نيز در اين رابطه به رشته تحرير درآمده كه عمدتاً همان مطالب مندرج در كتب فقهی را جمع آوری و بيان نموده‌اند. كه با وجود قابل دسترس‌تر بودن كتب فقهی فوق اين مقالات كارآیی چندانی براي نگارش اين

پایان نامه نداشته‌اند. اما در زمینه حقوقی با وجود تلاش‌های فراوان نگارنده و مراجعه به کتابخانه‌ها و دانشگاه‌ها و سایت‌های مختلف اینترنتی حتی یک کتاب یا مقاله یا پایان نامه مستقل درباره کفار یافت نشد. تنها در چند پایان نامه و کتاب اشاراتی در حد چند سطر یا در نهایت چند صفحه به کفار شده است که مطالب آنها دقیقاً همان مطالب مندرج در کتب فقهی بوده و هیچ تحلیل حقوقی راجع به کفار ارائه نشده است. لذا از این جهت پایان نامه حاضر کاملاً نو و جدید می‌باشد.

## ۸- ساختار تحقیق

تحقیق پیش رو، در سه فصل تنظیم گردیده است. در فصل اول تحت عنوان کلیات، مفاهیم و تعاریف کلیدی تحقیق، تبیین و راجع به هر کدام توضیحاتی ارائه می‌شود. سپس به دنبال یافتن مصادیق کفار در آیات و روایات کنکاش خواهد شد و در ادامه پیشینه کفار قبل و بعد از اسلام تشریح می‌گردد. در فصل دوم پس از بیان ماهیت کفار و برشمردن ویژگی‌ها و اقسام آن، کلیه اعمال مستوجب کفار به تفکیک، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. پس از آن خصال کفار و احکام آنها بیان خواهد شد. در پایان این فصل به مقایسه برخی مجازاتهای مالی و نهادهای غیرمالی مشابه با کفار پرداخته و وجوه تمایز و تشابه آنها با کفار تبیین خواهد شد.

در فصل سوم نیز پس از بیان اهداف شارع مقدس از تشریح کفار، کارکردهای آن طی دو بخش اخروی و دنیوی و در قسمت دنیوی به تفکیک فردی و اجتماعی مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت. و در پایان ضمن نتیجه‌گیری، پیشنهاداتی به تناسب موضوع ارائه خواهد شد.



# فصل اول

## کلیات

## ۱-۱- مفاهیم

برای درک و فهم بهتر موضوع تحقیق حاضر، مناسب است در بدو امر واژه‌هایی از عنوان پایان‌نامه که نیاز به تعریف دارند، تبیین و توصیف شده، سپس به اصل موضوع پرداخته شود.

### ۱-۱-۱- مفاهیم لغوی

در این قسمت مفهوم لغوی واژه‌های سیاست و کفاره مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### ۱-۱-۱-۱- مفهوم لغوی سیاست

سیاست واژه‌ای عربی از ماده «ساس»، «یسوس» و معادل کلمه Policy در زبان انگلیسی و کلمه Politque در زبان فرانسه می‌باشد که به معنای گردانیدن کارهای مردم و راهبری آنان به صلاح و رستگاری آمده است.<sup>(۱)</sup> به عبارت دیگر سیاست یعنی رهبری و راهنمایی مردم به سوی راه درست در امر دنیا و آخرت. همچنین به روش اداره مملکت در امور داخلی و خارجی نیز سیاست گویند.<sup>(۲)</sup>

در فرهنگ‌های لغت فارسی سیاست به معنای «حسن تدبیر، کاردانی، روش و مصلحت»<sup>(۳)</sup> و «اداره کردن مملکت، حکومت کردن و ریاست کردن»<sup>(۴)</sup> و «اصلاح امور

---

۱- جبران مسعود، فرهنگ الرائد، (ترجمه رضا انزابی نژاد)، چ ۵ (مشهد: انتشارات آستان قدس

رضوی، ۱۳۸۶ هـ.ش) ج ۱، ص ۹۹۱.

۲- محمد بندرریگی، المنجد، چ ۱، (تهران: انتشارات ایران، ۱۳۷۴ هـ.ش)، ج ۱، ص ۷۹۳.

۳- احمد سیاح، فرهنگ بزرگ نوین، چ ۱، (تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۷ هـ.ش)، ج ۱، ص ۹۰۶.

۴- محمد معین، فرهنگ فارسی معین، چ ۱، (تهران: سی گل، ۱۳۸۲ هـ.ش)، ج ۲، ص ۱۳۷۲.

خلق، رعیت داری، مردم داری»<sup>(۱)</sup> آمده است.

در اصطلاح حقوق کیفری آنچه از این واژه مورد نظر است همان مفهوم «تدبیر» می‌باشد و می‌توان گفت سیاست عبارت است از درک و تدبیر مسایل جامعه<sup>(۲)</sup> در جهت استصلاح و دورسازی مردم از مفسد<sup>(۳)</sup> و سیاست کردن یعنی «تنبیه کردن و کیفر دادن»<sup>(۴)</sup> از مطالب فوق اینگونه برداشت می‌شود که سیاست عبارت است از: «استصلاح مردم با راهنمایی آنها به راه نجات سریع یا طولانی (مدت‌دار) و فن حکومت و اداره ی اعمال دولتی داخلی و خارجی»<sup>(۵)</sup>.

### ۱-۱-۱-۲- مفهوم لغوی کفاره

کفاره بر وزن فعّاله، صیغه مبالغه و به معنی بسیار پوشاننده می‌باشد. الکفاره از ریشه کَفَر، پوشاندن، مخفی کردن و نهفتن چیزی را گویند. (كُفِرَ، كُفِرَانٌ، كُفْرٌ) بالله یعنی لامذهب بودن، کافر بودن، باور نداشتن، منکر خدا بودن و ناسپاس بودن (نسبت به نعمتی)<sup>(۶)</sup>. کفر نقیض ایمان است؛ چرا که ایمان اظهار حقیقت و کفر پوشاندن حقیقت است<sup>(۷)</sup> و به این

- 
- ۱- حسن عمید، فرهنگ عمید، ج ۱، (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳ هـ.ش)، ج ۲، ص ۱۴۹۳.
  - ۲- کریستین لازرژ، درآمدی به سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، ج ۱، (تهران: میزان، ۱۳۸۲ هـ.ش)، ص ۹.
  - ۳- محمد مرتضی الزبیدی، تاج العروس، ج ۱، (بیروت: دارصادر، ۱۳۰۶ هـ.ش)، ج ۴، ص ۱۶۹.
  - ۴- محمد جعفر لنگرودی، فرهنگ عناصر شناسی، ج ۱، (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۲ هـ.ش)، ص ۳۶۹.
  - ۵- لوئیس معلوف، المنجد فی اللغة و الاعلام، ج ۳۲، (بیروت؛ دار المشرق، ۱۹۹۲ م)، ص ۳۶۲.
  - ۶- آذرتاش و آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی (بر اساس فرهنگ عربی - انگلیسی هانس‌ور)، ج ۴، (تهران: نشر نی، ۱۳۸۳ هـ.ش)، ص ۵۹۲.
  - ۷- ابوالحسین احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقایس اللغة، (تحقیق و ضبط: عبدالسلام محمد هارون)، بی‌جا، (قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۴۰۴ هـ.ق)، ج ۵، ص ۱۹۱.

دلیل کفارات را، کفارات نامیدند چون گناهان را پوشانده، محو و زائل می‌کند،<sup>(۱)</sup> مانند کفاره ظهار، قتل و....

شهید ثانی در بیان مفهوم کفاره می‌نویسد: «کفاره اسم تکفیر و اصل آن از ستر (پوشاندن) است برای اینکه کفاره گناهان را می‌پوشاند و کافر از ستر است برای اینکه می‌پوشاند حق را، و شب را کافر گویند؛ چون عملی که در آن انجام می‌شود را می‌پوشاند.»<sup>(۲)</sup>

همچنین عرب به کشاورز کافر گوید؛ چرا که او دانه و بذر را در دل خاک پنهان می‌نماید و نیز کافر مصطلح را به این جهت کافر می‌گویند، که روی فطرت توحیدی خویش سرپوش گذاشته است.<sup>(۳)</sup>

در کتاب مصطلحات الفقه آمده است: «بر کسانی که کفران نعمت می‌کنند کافر اطلاق می‌شود، برای اینکه نعمتهای خداوند را با عدم شکرگزاری می‌پوشانند.»<sup>(۴)</sup>

همچنین الکفاره، مونث الکفار و به معنی زن بسیار کافر و بی‌ایمان و ناسپاس نیز آمده است.<sup>(۵)</sup> و در فرهنگ فارسی عمید،<sup>(۶)</sup> «تاوان تخلف از اوامر شرع» معنی شده است. در کتاب العین نیز ذیل واژه کفاره چنین آمده است: «آنچه بوسیله آن خطا پوشیده

---

۱- محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، بی‌جا، (قم: انتشارات ادب الحوزه، ۱۳۶۳ هـ.ش)، ج ۵، ص ۱۴۴.

۲- زین‌الدین بن علی العاملی (شهید ثانی)، مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، ج ۱، (قم: موسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۷ هـ.ق)، ج ۱۰، ص ۷.

۳- علی محمدی، شرح تبصره علامه حلی، ج ۱، (قم: دارالفکر، ۱۳۷۱ هـ.ش)، ج ۲، ص ۲۸۷.

۴- حسین فیض مشکینی، مصطلحات الفقه، ج ۱، (قم: نشر الهادی، ۱۴۱۹ هـ.ق)، ص ۴۳۷.

۵- محمد بندر ریگی، المنجد، ج ۱، (تهران: انتشارات ایران، ۱۳۷۵ هـ.ش)، ج ۲، ص ۱۶۰۱.

۶- حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید، ج ۲۸، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۶)، ج ۲، ص ۱۶۴۰.

می‌شود و سوگند بوسیله آن محو می‌گردد»<sup>(۱)</sup>.

## ۱-۱-۲- مفاهیم اصطلاحی

در این قسمت به بیان تعریف سیاست کیفری و سیاست جنایی و همچنین مفهوم کفاره در اصطلاح شرع خواهیم پرداخت.

### ۱-۱-۲- مفهوم سیاست کیفری و سیاست جنایی در اصطلاح

تعریفی که نخستین بار دانشمند آلمانی، آنسلم فون فوئر باخ در کتاب حقوق کیفری خود در سال ۱۸۰۳ میلادی از اصطلاح «سیاست جنایی» ارائه نمود، مفهوم مضیقی از سیاست جنایی و در حقیقت تعریف «سیاست کیفری» است. این دانشمند سیاست جنایی را «مجموعه شیوه‌های سرکوب گرانه‌ای که دولت با استفاده از آنها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد». تعریف نموده است.<sup>(۲)</sup>

پس از فوئر باخ، حقوق‌دان دیگر آلمانی، فون لیست در اواخر سده نوزدهم و حقوق‌دانان فرانسوی چون «کوش» در اوایل سده بیستم و «دندی یودوواپر» در اواسط قرن بیستم نیز تعاریفی از سیاست جنایی ارائه دادند که با برداشت فوئر باخ از مفهوم سیاست جنایی تفاوت زیادی نداشت و مقصود همگی آنها از سیاست جنایی همان سیاست کیفری بود. بنابراین در طول مدت یک قرن و نیم یعنی از اوایل سده بیستم تا اواسط سده بیستم سیاست جنایی و سیاست کیفری در اندیشه‌ی دانشمندان حقوق جزا و علوم جنایی مترادف بودند، اما پس از پایان جنگ دوم جهانی با ظهور مکاتب فلسفی و کیفری و از جمله مکتب دفاع اجتماعی و گرایش‌های دوگانه ایتالیایی و

---

۱- خلیل بن احمد الفراهیدی، العین، (تحقیق: محمد المخزومی و ابراهیم السامرائی)، ج ۱، (قم):

دارالهجرة، ۱۴۰۵ هـ.ق، ج ۵، ص ۳۵۸.

۲- کریستین لازرژ، درآمدی به سیاست جنایی، (ترجمه علی حسین نجفی ابرنآبادی)، ج ۱،

(تهران: نشر میزان، ۱۳۸۲ هـ.ش)، ص ۱۱.

فرانسوی به رهبری «فلیپوگراماتیکا» (وکیل ایتالیایی) و «مارک آنسل» (قاضی فرانسوی) سیاست جنایی توسعه می‌یابد و مفهوم مضیق خویش که معادل حقوق کیفری بود را پشت سر گذاشته و به سمت مفهوم موسع یعنی سیاست جنایی به معنای امروزی آن متحول می‌گردد.<sup>(۱)</sup>

با عنایت به آنچه گذشت به تعریف سیاست جنایی و سیاست کیفری می‌پردازیم. سیاست جنایی عبارت است از: «مجموعه تدابیر و اقدامهای سرکوبگرانه (کیفری و غیر کیفری) و پیشگیرانه با ماهیت‌های مختلف که دولت و جامعه مدنی، هر یک به صورت مستقل یا با مشارکت سازمان یافته‌ی یکدیگر، از آنها در قالب روش‌های مختلف به منظور سرکوبی بزهکاری و بزهکاران و نیز پیشگیری از بزهکاری و انحراف استفاده می‌کنند».<sup>(۲)</sup>

و سیاست کیفری عبارت است از: «مجموعه تدابیر و شیوه‌های عمدتاً قهرآمیز و سرکوبگرانه‌ای که پس از وقوع جرم در چارچوب قانون توسط قوای حاکمیت و به منظور جلوگیری از ارتکاب مجدد بزه اعمال می‌گردد».<sup>(۳)</sup> آنچه مسلم است، سیاست کیفری در حقیقت سیاست جنایی تنزل یافته و در سطح حقوق کیفری است؛ یعنی سیاستی که تنها از طریق قوانین جزا و با استفاده از روش‌های کیفری (سرکوبگر یا غیر سرکوبگر) به رفتارهای خلاف قانون و مقررات واکنش نشان می‌دهد. به بیان دیگر سیاست کیفری معنای مضیق سیاست جنایی است. با وجود آنکه از نظر حقوقدانانی همچون فویرباخ تفاوتی بین سیاست کیفری و سیاست جنایی وجود ندارد، اما امروز دیگر با وجود کارکردهای سیاست کیفری این امر آشکار گشته است که صرف نظام کیفری دیگر چاره

---

۱- همان، ص ۱۵ - ۱۱.

۲- همان، ص ۱۶.

۳- همان، ص ۱۱.

کننده نیست، هرچند نظام کیفری همچنان هسته مرکزی سیاست جنایی را تشکیل می‌دهد، اما در منظومه داخلی سیاست جنایی و پیرامون این هسته عظیم، حقوق پیشگیری و سایر نظامهای حقوقی قرار دارند که سیاست کنترل جرم و بزهکاری را تشکیل می‌دهند و بدین ترتیب سیاست کیفری از سیاست جنایی متمایز گشته و جزئی از آن تلقی می‌گردد.<sup>(۱)</sup>

#### ۱-۱-۲-۲- مفهوم کفاره در اصطلاح

کفاره عقوبتی تعبدی است که از ناحیه شارع مقدس برای جبران برخی گناهان معین، قرار داده شده است. گویی کفاره آن گناهان و خطاها را می‌پوشاند و موجب سقوط یا تخفیف عقوبت اخروی آنها می‌شود. یعنی پس از آنکه سبب اصلی گناه بوجود آمد، خداوند به بندگان مومنش امر فرموده که با اداء کفارات، اثرات دنیوی و اخروی این گناهان خاص را محو و زائل سازند تا در نتیجه، فاصله‌ای که بین آنها و خدا به سبب انجام گناه ایجاد شده بود از بین برود. به عبارت دیگر کفاره نوعی کیفر شرعی است که نسبت به جسم یا مال گناهکاری که برخی مقررات و اوامر شرعی را نادیده گرفته یا نقض نموده، اعمال می‌گردد. در فقه جزایی اسلام گاه کفاره به عنوان مجازات تتمیمی برخی جرایم تعیین شده است.<sup>(۲)</sup>

برخی از کفارات در قرآن بیان شده و خصوصیات و خصلتهای آنها تشریح گردیده است، مانند کفاره قتل خطا، کفاره شکستن قسم، کفارهظهار. اما برخی دیگر در قرآن هیچ اشاره‌ای به آنها نشده، بلکه در سنت و توسط ائمه اطهار علیهم السلام تبیین شده و در روایات مختلف خصوصیات و ویژگیهای آنها روشن گردیده است، مانند کفاره قتل عمد. با بررسی موارد استعمال واژه «کفاره» در کتاب و سنت درمی‌یابیم که معانی کفاره در

---

۱- محمدعلی حاجی ده‌آبادی، ارتباط اخلاق و سیاست جنایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد،

حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مفید، بهمن ۱۳۷۸، ص ۱۱.

۲- عباس ایمانی، فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، چ ۱، (تهران: آریان، ۱۳۸۲هـ.ش)، ص ۳۷۸.

اصطلاح شرع متضمن همان معانی کفاره در لغت است.<sup>(۱)</sup> یعنی همان معنای پوشاندن و پرده انداختن. از طرف دیگر می‌بینیم کفاره در دو معنی استعمال شده است که یکی اعم از دیگری بوده و به استعمال لغوی نزدیکتر است و معنای دیگر اخص بوده و ناظر بر اعمال معینی است که عنوان کفاره یافته‌اند و بر فعل یا ترک پاره‌ای از اعمال مترتب می‌باشند، که به توضیح این دو معنا خواهیم پرداخت.

### ۱-۱-۲-۱- کفاره در معنای اعم

در برخی از آیات و روایات «کفاره» در معنایی وسیع تر از «عملی واجب و رافع یا مخفف عقوبت اخروی و مترتب بر خطا و گناهی خاص» به کار رفته است. در این موارد (که در صفحات آتی تحت عنوان مصادیق کفارات به آنها خواهیم پرداخت) برای بعضی اعمال مباح و مجاز مانند خندیدن و شرکت در مجالس، کفاره بیان شده<sup>(۲)</sup> و گاه آنچه کفاره دانسته شده اصولاً عمل خاصی به شمار نمی‌رود، چنانکه توکل بر خدا که حالتی نفسانی است کفاره طیره (فال بد زدن) دانسته شده<sup>(۳)</sup> و یا این که استغفار و توبه که علی‌الاطلاق در مورد همه معاصی و خطایا پسندیده و حتی واجب و موجب سقوط عقاب اخروی است، برترین کفاره اعلام شده است<sup>(۴)</sup> و همچنین انجام هر عمل نیک و حسنه‌ای محو کننده و پوشاننده گناهان بیان گردیده است.<sup>(۵)</sup>

پیداست که این موارد در مقام تشریح و تاسیس عقوبت خاصی برای کسی که مرتکب خطا یا گناهی می‌شود، نبوده بلکه متضمن توصیه به اموری هستند که در جهت

---

۱- آیات و روایاتی که از کفاره سخن گفته‌اند در صفحات آتی خواهد آمد.  
۲- محمد بن الحسن الحر العاملی، *تفصیل وسایل الشیعه*، ج ۲، (قم: موسسه ال بیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ هـ. ق)، ج ۲۲، باب ۳۷، ح ۱، ص ۴۰۵ و باب ۳۴، حدیث ۱، ص ۴۰۳.  
۳- همان، باب ۳۵، ح ۱، ص ۴۰۴.  
۴- همان، باب ۱۲، ح ۶، ص ۳۷۷.  
۵- محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، *امالی*، ج ۱، (قم: موسسه البعثه، ۱۴۱۷ هـ. ق)، ص ۵۸۹.



رفع آثار سوء قطعی یا احتمالی برخی اعمال و احوال که احیاناً مباح هم می‌باشند، موثرند و در جای خود، از نظر اثر اخلاقی و معنوی ویژه‌ای که دارا هستند قابل توجه می‌باشند. این کفارات واجب نبوده و در کتب فقهی نیز تحت عنوان کفارات مندوب آورده شده‌اند.

### ۱-۲-۲-۲-۱-۱ کفاره در معنای اخص

کفاره در معنای اخص عبارت است از عملی که واجب شده برای پوشاندن گناهی که از انسان صادر می‌شود، و سبب عفو آن گناه می‌گردد.<sup>(۱)</sup>

ابن اثیر می‌نویسد: «کفاره عبارت از عمل و خصلتی است که شأن آن پوشاندن و محو نمودن گناهان می‌باشد».<sup>(۲)</sup> کفاره در اصطلاح فقهی تکلیف و مسئولیت ویژه‌ای است که آدمی به دنبال ارتکاب عمل خلاف به عهده می‌گیرد و انجام می‌دهد تا بدینوسیله روی گناهان سرپوش نهاده و آنها را پاک سازی کند یا تخفیف دهد.<sup>(۳)</sup>

یکی از صاحب نظران، کفاره در اصطلاح فقها را اینگونه توصیف می‌کند: «عبادت مخصوص مالی یا بدنی که خداوند تعالی در دینش تشریح نموده و آنرا مواخذه و عقوبتی قرار داده برای کسی که با حکمش مخالفت می‌کند، کفاره عقاب را ساقط می‌کند یا تخفیف می‌دهد».<sup>(۴)</sup>

در مسالک الافهام چنین آمده است: «بعضی کفاره را چنین تعریف کرده‌اند: طاعت ویژه‌ای که غالباً کیفر (اخروی) را ساقط می‌کند یا تخفیف می‌دهد. در این تعریف قید «غالباً» آورده شده تا کفاره قتل خطا که عقوبت اخروی ندارد (تا کفاره آن، آن عقوبت را

---

۱- حسن فاروبی تبریزی، **النضید**، ج ۵، (قم: انتشارات داوری، ۱۴۱۵ هـ.ق)، ج ۸، ص ۱۷۳.  
۲- مجدالدین ابی السعادات المبارک بن محمد الجزری (ابن اثیر)، **النهایه فی غریب الحدیث و الاثر**، (تحقیق: محمود محمد الطناحی و طاهر احمد الزاوی)، بی‌جا، (بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی‌تا)، ج ۴، ص ۱۸۹.

۳- علی محمدی، **پیشین**، ص ۲۸۷.

۴- حسین فیض مشکینی، **پیشین**، ص ۴۳۸.

ساقط نماید یا تخفیف دهد)، شامل گردد. اما این تعریف از جهت این که مانع اغیار نیست اشکال دارد، زیرا شامل توبه نیز می‌شود. چون توبه هم طاعتی مخصوص، بلکه بزرگترین طاعات است و گاهی موجب سقوط کیفر است، چنانکه در مورد گناه مربوط به حق الله که قضا ندارد موجب سقوط کیفر است و گاهی موجب تخفیف عذاب اخروی می‌شود، مانند موردی که گناه مربوط به حق الله باشد و علاوه بر توبه، قضا یا رد حق به ذیحق نیز واجب باشد. همچنین این تعریف از جهت این که شامل قضاء عبادات فائمه می‌شود نیز مانع اغیار نیست، چرا که قضا عبادت، گناه ناشی از سهل‌انگاری در انجام عبادت در وقت خود را پاک می‌کند، یا دست کم به سبب این که مرتفع شدن گناه راساً، علاوه بر قضا توبه هم لازم دارد، آن را تخفیف می‌دهد.<sup>(۱)</sup>

پس از نقل این تعریف کفاره و مناقشه شهید ثانی - رضوان الله علیه - در آن، مرحوم صاحب جواهر در تأیید این تعریف، مناقشه شهید را با این بیان رد می‌کند که: «معلوم است که مراد از این تعریف این است که فی الجمله کفاره از تعریفی که بیشتر به تعاریف اهل لغت شبیه است تمیز یابد. همچنین معلوم است که مقصود از طاعت «مخصوص» در این تعریف، ویژگیهایی است که (از جهت نوع، کمیت و کیفیت) در کفارات لحاظ گردیده است و توبه و قضا فاقد این مختصات هستند، مراد جنس خصوصیت نیست تا شامل هر نوع عبادت مخصوصی (مثل توبه و قضا) بشود و مطلب واضح است.»<sup>(۲)</sup> این تعریفی که از «مسالك الافهام» نقل شد و مورد تأیید صاحب جواهر رحمه الله نیز قرار گرفته، شامل دو رکن می‌باشد: نخست این که کفاره عبادت مخصوصی است که این رکن در مصطلحات الفقه و در شرح تبصره ی علامه حلی نیز آمده است. دوم اینکه در اغلب موارد مسقط یا مخفف عقوبت اخروی است که این رکن را نیز در تمامی تعاریف ارائه شده از کفاره می‌بینیم. اما یک

---

۱- زین‌الدین بن علی العاملی (شهید ثانی)، پیشین، ص ۸۷.

۲- محمد حسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۷، (بیروت: دار احیاء

التراث العربی، بی تا)، ج ۳۳، ص ۱۶۷.

خصوصیت برجسته کفاره که باید در تعریف آن آورده شود ولی در تعاریف فوق نیامده، عبارت است از این که کفاره در اغلب موارد جنبه جزایی دارد و مترتب بر فعل (انجام دادن) برخی از ممنوعات یا ترک بعضی واجبات می‌باشد. مجازات و عقوبت بودن کفاره از برخی آیات و روایات فهمیده می‌شود. و در کلمات فقها رضوان الله علیهم نیز گاهی به جای کفاره کلمه جزا به کار رفته است.<sup>(۱)</sup>

البته در برخی از تعاریف کفاره به جزا بودن آن اشاره شده است. من جمله در درس تمهیدیه اینگونه بیان گردیده که: «کفاره در اصطلاح شرع جزای ثابتی بر ارتکاب بعضی گناهان برای پوشاندن آنهاست».<sup>(۲)</sup> در تعریف دیگری چنین آمده است: «کفاره کیفری عبادی است که به هنگام ارتکاب برخی از معاصی معین شده است. به منظور اینکه گناه را بپوشاند و اثر نامطلوب آنرا محو گرداند».<sup>(۳)</sup>

علیهذا در تعریفی جامع و مانع، نباید این خصوصیت مهم کفاره مسکوت گذاشته شود. با ذکر این خصوصیت کفاره در تعریف آن، شبهه ی این که تعریف مانع اغیار نبوده شامل توبه و قضا نیز می‌شود، مرتفع می‌گردد. بدین جهت می‌توان کفاره را چنین تعریف نمود: «عبادت مخصوصی که غالباً به عنوان مجازات ترک بعضی واجبات یا فعل برخی اعمال غالباً حرام و ممنوع، انجام آن بر مکلف واجب می‌شود و غالباً رافع یا مخفف عقوبت اخروی آن فعل یا ترک می‌باشد».

---

۱- در صفحات آتی مفصلاً به آن پرداخته می‌شود.

۲- باقر ایروانی، درس تمهیدیه فی تفسیر آیات الاحکام، ج ۱، (قم: انتشارات دارالفقه، ۱۴۲۳

هـ. ق)، ج ۱، ص ۵۲۵.

۳- علیرضا فیض، حقوق جزای اسلام، ج ۲، (تهران: انتشارات دانشکده افسری، ۱۳۶۳هـ.ش)، ص ۲۶۳.

## ۲-۱- مصادیق

### ۲-۱ - ۱- مصادیق کفاره در قرآن

در قرآن کریم مصادیق بسیاری از کفارات آمده است که برخی از آنها در معنای اعم و برخی در معنای اخص می‌باشند که در ادامه بحث، به تفکیک، مواردی از آنها ذکر می‌گردد.

#### ۲-۱-۱-۱- مصادیق عام در قرآن

در برخی از آیات قرآن کریم به کفاره در معنای اعم آن اشاره شده است که به عنوان نمونه چند مورد از آنها بیان می‌گردد. خدای تعالی در آیه ۳۱ سوره نساء می‌فرماید: «اگر از گناهان بزرگی که از آنها نهی شده‌اید اجتناب کنید از گناهان کوچک شما روپوشی می‌کنیم (آنها را از شما می‌زداییم) و شما را به جایگاهی گرامی درمی‌آوریم».<sup>(۱)</sup>

در آیه ۷ سوره عنکبوت چنین بیان شده است: «و کسانی که ایمان آوردند و عملهای شایسته انجام داده‌اند قطعاً گناهان‌شان را می‌پوشانیم (حتماً گناهانشان را از آنان می‌زداییم) و عملهای آنها را که بسیار نیکو است، پاداش می‌دهیم».<sup>(۲)</sup>

در آیه ۱۱۴ سوره هود خداوند می‌فرماید: «و نماز را در دو طرف روز و اوایل شب که نزدیک روز است برپا دار به درستی که حسنات و خوبیها، سیئات و بدی‌ها را از بین

---

۱- «إِنْ تَجْتَنِبُوا كِبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ نُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا». قرآن کریم، ترجمه

آیت الله مشکینی.

۲- «وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ».